

بزرگ دانش آموزان مدرسه چگونه برخورد کنیم؟

اشاره

در شماره ۶ دوره ۶ دوازدهم (اسفند ۸۷)، یکی از همکاران، خاطره‌ای از فوت دانش آموز کلاسی در اثر سانحه تصادف را یادآور شد و تألمات روحی ناشی از مرگ این دانش آموز بر هم کلاسی‌های وی و خود را یادآوری کرد. در همان شماره، از همکاران خواسته بودیم، چنانچه در زمینه‌ی چگونگی برخورد با مقوله‌ی مرگ هم کلاسی (و یا وابستگان دانش آموزان) از ابعاد گوناگون، تجربه‌هایی دارند، نوشته‌های خودشان را به دفتر مجله ارسال کنند. آن‌چه در پی می‌آید، تجربه‌های آموزگاران و کارکنان یک مدرسه در برخورد با پدیده‌ی مرگ یک دانش آموز در طی سال تحصیلی است.

آبان ماه بود و مادر هفته‌ی تولد حضرت معصومه (ع) و روز دختر، برگزاری مراسم شاد خاصی شامل تهیه‌ی هدیه به مناسبت روز دختر، تعیین بهترین دختران از نظر درسی، اخلاقی و... و برنامه‌های دیگری از این قبیل را در نظر داشتیم. ناگهان صبح روز چهارشنبه به محض وارد شدن به مدرسه، خبر از دست دادن یکی از بهترین دانش آموزانم به همراه پدر و مادر و تنها خواهرش را شنیدم. الناز نادری، دختر کوچولوی زیبا و دوست داشتنی ما، به همراه خانواده‌اش، در حادثه‌ی آتش‌سوزی جایگاه سوخت گاز CNG شهر، به رحمت ایزدی رفتند.

این ضایعه به قدری تکان‌دهنده و دلسوز بود که آن روز هیچ‌کس از همکاران و دانش آموزان، تاب در مدرسه ماندن را نداشتند. آن‌چه را بر ما گذشت، فقط خدا می‌داند و بس. اما تأثیری که این حادثه بر ما و دانش آموزان پایه‌ی دوم گذاشت، بسیار عمیق و سخت بود و سخت‌تر این‌که نمی‌دانستیم چه باید بکنیم؟

شرایط یادگیری در کلاس، تحت تأثیر این اتفاق قرار گرفته بود. دوستان الناز حتی حوصله‌ی سر کلاس رفتن هم نداشتند. آن‌ها کاملاً ناامید شده بودند و انگار توان زندگی هم نداشتند. یک هفته‌ای را به بچه‌ها اجازه‌ی هم‌دردی دادیم. چون کوچک بودند، آن‌ها را به مراسم پرسوز و گداز این خانواده نبردیم، چرا که روح لطیف آن‌ها آزرده‌تر می‌شد. فقط تعدادی از دانش آموزانی که همسایه یا خویشاوند

در حال مطالعه‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی شماره ۶ اسفند ۸۷ بودم که نظرم به درخواست همکار عزیز، خانم مریم طهماسبی دزفولی از منطقه ۹ تهران افتاد. از آن‌جا که امسال ما نیز شاهد چنین اتفاقی در مدرسه بودیم و متأسفانه لحظات تلخی را تجربه کرده بودیم، تصمیم گرفتم این تجربیات تلخ را در اختیار مجله و همکاران قرار دهم. گرچه آرزوی قلبی من و هر معلمی این است که همیشه همه‌ی دانش آموزان شاد و سلامت باشند و ما هم چنان شاهد شیطنت‌های وابسته به سن و سال آن‌ها باشیم؛ چراکه برای معلم، تحمل شیطنت‌های بچه‌ها، هزاران بار آسان‌تر از غم از دست دادن آن‌هاست.



الناز بودند، به همراه مادران خود در مراسم ختم او شرکت کردند. اما همه‌ی همکاران به مراسم رفتیم.

ما که خود را داغ‌دار می‌دیدیم، منتظر تسلیتی از سوی مسئولان اداره بودیم. حتی اعلامیه هم به اداره دادیم، ولی گویا اداره برنامه‌ی خاصی در این‌گونه موارد پیش‌بینی نکرده است و یا شخص و یا دایره‌ی خاصی مسئول رسیدگی به این قبیل موارد نیست. از آن‌جا که آموزش و پرورش از دانش‌آموزان و معلمان تشکیل می‌شود، به نظر می‌رسد که اداره‌ی شهرستان ما می‌توانست بسیار انسان‌دوستانه‌تر با این مسئله برخورد کند. چون خبر این حادثه در کل کشور پیچیده بود. ارسال پیام تسلیت برای خانواده یا مدرسه، خیلی هزینه‌ای هم برای اداره نداشت.

تا آن‌جا که از دست ما بر می‌آمد، این اقدامات را انجام دادیم:

۱. تهیه‌ی سبزی گل سفید و قرار دادن آن روی نیمکت الناز (این اقدام در به دست آوردن روحیه‌ی دیگر دانش‌آموزان خیلی مؤثر واقع شد، چرا که گل با لطافت بی‌نظیر خود، برای چند روزی جای خالی الناز را پیش هم‌کلاسی‌هایش پر کرد و باعث تسلی خاطر و آرامش آنان شد.)

۲. بلافاصله در مدرسه با حضور دانش‌آموزان و بازماندگان و خویشان الناز مجلس ختمی ترتیب دادیم. در این مراسم، بچه‌ها با خرما و حلوائی که مادرانشان درست کرده بودند، پذیرایی شدند. در موقعیت‌های مناسب نیز سعی کردیم با خواندن متن ادبی و شعر، احساس جان‌سوز خود را ادا کنیم. البته در نظر داشتیم که مراسم عزاداری و حزن در مدرسه و بین بچه‌ها نباید طولانی شود. از این رو فقط یک مراسم کوتاه برگزار کردیم.

۳. در مراسم صبحگاه و نماز، درباره‌ی دیدگاه اسلام به مرگ صحبت کردیم. البته در خور فهم بچه‌ها و به زبانی بسیار ساده. مثلاً برایشان توضیح دادیم که ما با مردن از بین نمی‌رویم، بلکه در دنیایی دیگر زندگی می‌کنیم. اگر چه جسم ما از بین می‌رود، اما روح و جان ما زنده و باقی می‌ماند و نزد پروردگار می‌رود.

۴. بعد از مدتی به بچه‌ها گوشزد کردیم

که الناز ما را می‌بیند و دوست ندارد ما غمگین باشیم. چون خودش هم همیشه شاد بود، بنابراین غصه فایده‌ای ندارد. در نهایت هم برای شادی روحش، همراه با بچه‌ها حمد و سوره می‌خواندیم.

۵. با توجه به فضای غم‌انگیز حاکم بر مدرسه، از یکی از مجلات رشد، مطلبی را انتخاب کردیم و برای همکاران شرح دادیم.^۱ هم‌چنین نظرات و تجربیات آنان در این جلسه بیان شد تا دیگر همکاران از آن‌ها استفاده کنند.

۶. بعد از مدتی سعی کردیم با ادامه‌ی روند عادی کار مدرسه، دانش‌آموزان را به درس توجه دهیم. مثلاً در کلاس دوم با برگزاری جشن تولد یکی از دانش‌آموزان، ذهن آن‌ها را تا حدودی از موضوع دور کردیم.

چند توصیه و پیشنهاد

◆ در این‌گونه موارد بهتر است کمک‌های فکری و علمی لازم‌را از مراکزهای مشاوره‌ای بگیریم.

◆ به دانش‌آموزان هم‌کلاس، اجازه‌ی همدردی بدهید تا بتوانند احساس غمگین خود را خالی کنند، ولی در مدت‌زمانی اندک چون ظرفیت بچه‌ها در این موارد محدود است. بچه‌ها دوستان از دست داده را مثل قسمتی از خود می‌دانند

(بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار).

◆ احساس همدردی معلمان می‌تواند تسلی‌دهنده‌ی دیگر دانش‌آموزان باشد.

◆ در این‌گونه موارد طبق موقعیت محلی آن مدرسه رفتار کنید.

◆ خیلی زود و به موقع در برابر این موقعیت‌ها واکنش نشان دهید.

◆ ضمن تسلی دادن به دانش‌آموزان دیگر بارها به آنان بفهمانید که همه‌ی آنان در نظر شما عزیز و دوست‌داشتنی هستند، تا این احساس که (با مردن عزیز می‌شویم) در آنان به‌وجود نیاید و احساس بی‌ارزشی در آن‌ها رخ ندهد.

◆ پس از مدتی، بلافاصله از برنامه‌های سرگرم‌کننده و سرودهای مختص سن

دانش‌آموزان خود استفاده کنید تا بتوانید حال و هوای محیط آموزشی خود را تغییر دهید.

◆ حتماً و در اسرع وقت اداره‌ی آموزش و پرورش محل خود را در جریان قرار دهید.

◆ مطالعه و استفاده از منابع علمی در این رابطه را فراموش نکنید.

◆ به‌خاطر داشته باشید که بچه‌ها تا مدت‌ها خاطرات خوش خود با دوست متوفی را در ذهن مرور کرده و می‌خواهند آن‌ها را برای دیگران و به‌خصوص معلم خود بیان کنند. پس باید تا حدی به آن‌ها اجازه این کار داده شود.

◆ احساسات بچه‌ها را درک کنید و انتظار رفتارهای متفاوت را داشته باشید.

◆ به بچه‌ها بیاموزیم که موارد ایمنی و احتیاط را یاد گرفته و رعایت کنند. (هشدار در ارتباط با حادثه‌ی انفجار مخزن گاز)

◆ به یاد داشته باشیم که در بعضی از موارد کاری از دست کسی بر نمی‌آید، ولی همیشه خدا و یاد او آرامش دهنده است.

زیرنویس

۱. مفیدی، فرخنده، درک مفهوم مرگ و آموزش آن به کودکان.

رشد آموزش پیش‌دبستانی، پیش‌شماره ۲، بهار ۱۳۸۸.